

گذشته نزدیک...

جایگاه و نقش منابع شفاهی در تاریخنگاری ایران ابوالفتح مومن

تاریخ‌نگاری شفاهی از آنجا که شیوه‌ای نوظهور است، مسلماً از احتیاطهای خاصی در کار خود پیروی می‌کند. این یک انتظار طبیعی است و شاید هم نوعی رفتار ناخودآگاهانه است که هرکسی در جایگاه مصاحبه‌شونده درصدد دفاع از خود و یا پررنگ کردن نقش مثبت برای خودش باشد، اما برعهده شنونده تمیز بین و هوشیار است که تسلیم محض آنچه می‌شنود یا به او القا می‌شود، نباشد، به‌ویژه اگر نقش یک مورخ را برعهده دارد. مورخی که می‌داند خاطرات ممکن است آغشته به ناخالصی، ناگفته‌مانی، گناه پوشی و اغراض سیاسی باشند، باید انگیزه‌ها، جایگاه، موقعیت واقعی و خصوصیات شخصیتی مصاحبه‌شونده را در نظر بگیرد و در کنار آن تا آنجا که مقدور و لازم است، با علم و آگاهی به زمینه تاریخی مورد بحث، مصاحبه‌شونده را به جای آن که حرف بزند، به حرف وادارد و او را در مسیر طرح از پیش چیده شده خودش هدایت کند؛ به عبارت بهتر باید کنترل مصاحبه در دست مصاحبه‌گر باشد و با این هدایت مصاحبه‌گر است که تاریخ شفاهی از خاطره‌نویسی تمایز می‌یابد.



برای نگارش تاریخ معاصر، چه در سطح ملی و چه منطقه‌ای (محلی)، روشها و ابزار خاصی به کار گرفته می‌شوند که منابع محلی و ملی اعم از کتابها، نشریات، اسناد و خاطرات از اصلی‌ترین این ابزارها به شمار می‌روند. منابع مذکور در تحلیل منطقی و منطبق با واقعیات رویدادها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. از این میان، نشریات اغلب ارگان رسمی یک حزب یا جمعیت هستند که می‌توانند در شناخت اهداف و نظرات این سازمانها بسیار مفید باشند؛ به‌عنوان مثال: روزنامه آذربایجان (ارگان رسمی فرقه دموکرات آذربایجان)، آلاله (به زبان کردی، ارگان سازمان جوانان دموکرات کردستان)، اتفاق (ارگان حزب اتحاد و ترقی)،

راهنما (ارگان حزب توده همدان)، رستاخیز (ارگان حزب رستاخیز) و... علاوه بر نشریات، اسناد تاریخی و خاطرات نیز در این میان از جایگاه خاصی برخوردار هستند. با بررسی خاطرات افرادی که در جریانات سیاسی و حوادث مختلف حضور داشته و یا احیاناً از عوامل موثر بوده‌اند، می‌توان به نکات قابل اهمیتی دست یافت؛ زیرا خاطرات آن دسته از رجال سیاسی و شخصیت‌های موثر که در مقاطع خاصی از تاریخ در شکست، پیروزی و یا هدایت یک جریان نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند، به‌عنوان بخشی از منابع مهم تاریخ‌نگاری، ما را با حوادث و وقایع، جریانات و شخصیت‌های درگیر در مسائل تاریخی، آشنا می‌سازند و به کمک این منابع است که ما به عمق موضوع مورد بررسی پی می‌بریم.^۱ این مقاله با پژوهش و تحقیق درخصوص نقش و جایگاه تاریخ شفاهی، به سوالات بنیادین زیر پاسخ می‌دهد: آیا منابع تاریخی مورد استفاده در تدوین تاریخ شفاهی قابل اعتمادند؟ چگونه و با چه روش‌هایی می‌توان به حقیقت و درستی و یا مخدوش بودن این منابع پی برد؟ تاریخ شفاهی درکل تا چه اندازه از اعتبار علمی برخوردار است؟

منابع تاریخی الف. اسناد

منبع اول و اصیل در هر تحقیق و پژوهش تاریخی، اسناد هستند که در واقع باید آنها را کلید اصلی و رمزگشای هر پژوهشی دانست. اسناد می‌توانند مطالب منبع و مآخذی چون نشریات، خاطرات، سفرنامه‌ها و... را تأیید و یا نقض و نقد کنند. اسناد تاریخی بخش زیادی از موجودی بایگانی‌ها، شامل همه مکاتبات سلطنتی، فرمانها، اسناد معاهدات سیاسی، انواع نوشته‌های اداری و دیوانی، گزارشهای اقتصادی، فرهنگی و نظامی، اسناد قضایی، مالی و حقوقی و نیز برخی از مکاتبات خصوصی و خانوادگی را در برمی‌گیرد.^۲ این منابع به سبب اصالت وجودی و هم به جهت این که هر برگه از آنها

به زمان و رویدادی مشخص و واقعی بستگی دارد و رابطه حقیقی بین اثر و موثر در آنها به خوبی حفظ شده است، از اهمیتی بسیار در تدوین تاریخ شفاهی برخوردارند. اسناد تاریخی انواع مختلفی را شامل می‌شوند که از این میان می‌توان به اسناد مالی، حقوقی و قضایی، اخوانیت و... اشاره کرد.^۳ به‌عنوان مثال، گزارشهای دیوانی و نظامی امیرنظام گروسی درباره وقایع کردستان در سال ۱۲۹۸ هجری قمری، از جمله گزارشهای اداری و نظامی محسوب می‌شود.^۴ در عصر حاضر بهترین نمونه اسناد، گزارشهای اداری، سیاسی، مذهبی و... شهرداری و ساواک راجع به فعالیت افراد و گروههای مختلف در کشور هستند که امروزه به یکی از منابع مستند برای نگارش و تحقیق در زمینه‌های مختلف تاریخی تبدیل شده‌اند. خوشبختانه بسیاری از این اسناد به صورت کتاب چاپ شده است که می‌توان به مجموعه «پاران امام به روایت اسناد ساواک» و نیز به مجموعه «انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک» و نیز «اسناد شخصیت‌های شاخص در حکومت پهلوی» اشاره کرد.^۵

ب. تاریخ شفاهی

منبع دیگر در تحقیقات تاریخی، خاطرات و یادداشتهای افرادی هستند که خود شاهد و ناظر رویدادها بوده‌اند. این گونه نوشته‌ها علیرغم برخورداری از پاره‌ای کمی و کاستیها و نیز احتمال دخالت اغراض شخصی و سیاسی در آنها، بسیار ارزشمند هستند. خاطرات در واقع گونه‌ای جدید و پرشمار از منابع تاریخ معاصر کشور ما به‌شمار می‌آیند که در شکل نوین خود از سنت غربیان متأثر هستند. آنچه درخصوص این منابع تاریخی باید مورد توجه جدی پژوهشگران تاریخ قرار گیرد، نقد و بررسی دقیق و موشکافانه منابع مذکور می‌باشد. در نقد و بررسی خاطرات، علاوه بر لزوم آگاهی پژوهشگران از دوره تاریخی که خاطرات از آن حکایت می‌کند، شناخت پایگاه اجتماعی و طبقاتی خاطرنویس و همچنین آگاهی از گرایشهای فکری و عقیدتی و نیز خصوصیات فردی او بسیار مهم و اساسی است.^۶ از طرف دیگر خاطرات بنا به دلایل عدیده - از جمله به‌دلیل

مصلحت‌گرایی، اعمال حب و بغضهای شخصی و داوریه‌ها و گزارش‌های بکطرفه‌ای که عمدتاً بر رعایت منافع فردی و اجتماعی نویسنده مبتنی هستند. به لحاظ ارزش تاریخی در رتبه نخست منابع قرار ندارند و حتی برخی از آنان حاوی اکاذیب گمراه‌کننده‌ای نیز هستند. اما در عین حال همین خاطرات علاوه بر ابهام‌زدایی از برخی اطلاعات و اسناد تاریخی، گاه چنان گزارش‌ها و اخبار بدیع و تازه‌ای را در اختیار می‌گذارند که علیرغم کاستی‌ها و معایب مذکور، ارزش آنها به سطح ارزش اسناد و مدارک دست اول ارتقا می‌یابد.^۸

دستیابی به این منابع از دوراه امکان‌پذیر است:

۱- استفاده از خاطرات و یادداشتهایی که توسط مراکز مختلف جمع‌آوری و سپس انتشار یافته‌اند؛ مانند: خاطرات علی‌اکبر خان سنجایی سردار مقتدر^۹، خاطرات شاپور بختیار، امیدها و ناامیدهای کریم سنجایی و...

۲- مصاحبه با افرادی که در وقایع تاریخی تأثیرگذار و مطلع بوده‌اند و هنوز در قید حیات هستند. برای دستیابی به اطلاعات این افراد لازم است پرسشنامه‌هایی بر حسب فعالیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آنان تهیه شود. سوالات پرسشنامه باید به گونه‌ای تخصصی طراحی شوند، چنان‌که پاسخ مصاحبه‌شونده به آنها اطلاعات مورد نظر مصاحبه‌کننده را تأمین کند تا وی بتواند سوالات دیگری را نیز مطرح نماید؛ مثلاً پرسشها از یک فرد دانشگاهی باید درباره مسائل فرهنگی، علمی و سیاسی جامعه و نیز درباره دانشگاهیان آن زمان باشند. همچنین از یک فرد بازاری می‌توان درباره کمکی‌های این فشر از جامعه به افراد و گروه‌های اجتماعی - سیاسی و یا از نقش آنها در تحصن و تعطیلی بازار در جریان حوادث و رویدادها سوال کرد.

مراکز تاریخ شفاهی

امروزه مراکز متعددی در راستای تدوین تاریخ شفاهی به جمع‌آوری خاطرات و مصاحبه با افراد و شخصیتها می‌پردازند که تعدادی از این مراکز به سازمانها و نهادهای داخل کشور و تعدادی نیز به دانشگاهها و موسسات خارجی وابسته هستند و بیشتر آنها در کشور آمریکا فعالیت می‌کنند.

الف- مراکز خارج از کشور:

۱- دانشگاه هاروارد: این دانشگاه با همکاری حبیب‌الله لاجوردی خاطرات رجال عصر پهلوی را جمع‌آوری می‌کند. وی ابتدا طرح سبب تاریخ شفاهی را تهیه کرد و هم‌اینک به جمع‌آوری اطلاعات از رجال نظامی، سیاسی و اجتماعی، وزراء و وکلای دوره پهلوی در قالب ذکر خاطرات می‌پردازد. این مرکز، خاطرات جمع‌آوری شده را تا زمان صدور اجازه نشر از سوی صاحب‌خاطر، نگاه می‌دارد؛ چنان‌که برخی از صاحبان‌خاطر‌ها صرفاً به شرطی اجازه نشر خاطراتشان را می‌دهند که حداقل ده سال از مرگ آنان گذشته باشد. و ظاهراً دانشگاه هاروارد نیز شروط آنان را می‌پذیرد. از دوپست مجموعه خاطرات جمع‌آوری شده از تمام اصناف و مشاغل، یک دوره تاریخ معاصر همه‌جانبه از ایران به دست خواهد آمد که در کل باید گفت در نوع خود کار عمیق و همه‌جانبه‌ای است. روش کار آنان به این گونه است که از هر مصاحبه سه نسخه تهیه می‌کنند: یک نسخه را برای

دانشگاه کمبریج انگلستان می‌فرستند، یک نسخه در دانشگاه هاروارد نگهداری می‌شود و نسخه سوم را به صاحب ترجمه می‌دهند (همگی این نسخه‌ها به زبان فارسی هستند). از نمونه کارهای این مرکز می‌توان به خاطرات شاپور بختیار، علی‌امینی، دکتر مظفر بقائی، دکتر کریم سنجایی، دکتر مهدی حائری، غلامحسین ساعدی و دکتر مجتهدی اشاره کرد.^{۱۰}

۲- پروژه تاریخ شفاهی چپ: این مرکز تحقیقاتی زیر نظر موسسه بین‌المللی تاریخ اجتماعی آمستردام در هلند فعالیت می‌کند و تاکنون دوپست و شصت و دو ساعت مصاحبه از بیست و هشت نفر از رجال چپ جمع‌آوری کرده است. سایت این مرکز در اینترنت هم‌اینک دایر می‌باشد.

۳- مرکز تاریخ نیروی زمینی ایالات متحده نیز از دیگر مراکزی است که در زمینه تاریخ‌نگاری ایران معاصر مشغول به فعالیت است و خاطرات فرماندهان و مستشاران نظامی آمریکا در ایران را جمع‌آوری می‌کند. حاصل کار آنان مجموعه‌ای شامل خاطرات صدوپنجاه‌هزار مستشار امریکایی را در برمی‌گیرد. تاکنون هیچ کدام از بخشهای این مجموعه منتشر نشده‌اند.

۴- مرکز تاریخ شفاهی زنان ایران: وابسته به بنیاد مطالعات ایران، با بودجه اشرف پهلوی در آمریکا فعالیت می‌کند. نشریه ایران‌نامه از سوی این موسسه منتشر می‌گردد. موسسه مذکور خاطرات چند تن از زنان عصر پهلوی را جمع‌آوری کرده است که تاکنون هیچ کدام منتشر نشده‌اند.

۵- بنیاد مطالعات مجموعه تاریخ شفاهی ایران: این مرکز نیز به همان بنیاد مطالعات ایران وابسته است و هم‌اکنون در آمریکا مشغول به فعالیت می‌باشد. این موسسه بیش از هفتصد ساعت خاطره از صدووهشتاد نفر ضبط کرده است که حجمی بالغ بر چهارده‌هزار صفحه را شامل می‌شود اما تاکنون از این مجموعه هیچ اثری منتشر نشده است.

۶- مرکز تاریخ‌نگاری شفاهی یهود: این نهاد تحقیقات تاریخی را خاتم هما سرشار - یهودی اهل همدان - در آمریکا تأسیس نموده است و از جمله کارهای آن می‌توان به خاطرات شعبان جعفری اشاره کرد. وی اخیراً تدوین خاطرات هژبر یزدانی را در دستور کار موسسه قرار داده و نیز کتابی به انگلیسی به نام فرزندان استر چاپ کرده است که بیست و پنج مقاله مفصل در خصوص تاریخ یهودیان ایران - از دورانهای گذشته تا عصر حاضر - را شامل می‌شود.^{۱۱}

ب- مراکز داخل کشور:

مراکز متعددی در داخل کشور در زمینه جمع‌آوری خاطرات و تدوین تاریخ شفاهی فعالیت دارند؛ که از جمله به مراکز زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- معاونت تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی: این معاونت از شخصیتهایی که در جریان حوادث انقلاب اسلامی و پیش از آن حضور داشته‌اند، مصاحبه به عمل می‌آورد و با طرح سوالات تخصصی از سوی اهل فن، مطالب لازم و ضروری را از مصاحبه‌شونده دریافت می‌کند و سپس این مطالب را از روی فیلم و نوار پیاده کرده و ویراستاری می‌کند و سپس نتیجه و برآیند کار را جهت تدوین در اختیار محققان قرار می‌دهد.

از ویژگیهای آثار ارائه‌شده از سوی این مرکز، تطبیق

خاطرات با اسناد و مدارکی است که از شخص و حوادث در آرشو این مجموعه وجود دارد و ضمناً تصاویر اسناد مذکور در پایان کتاب خاطرات آورده می‌شود. از جمله خاطرات منتشر شده توسط معاونت تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، می‌توان به خاطرات سیداحمد حسینی ملایری، خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی و مبارزات شهید محلاتی^{۱۲} اشاره کرد.

۲- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی: این موسسه با افراد متعددی مصاحبه نموده و خاطرات و اسناد زیادی را جمع‌آوری کرده است که بخشی از این کارها در فصلنامه «یاد» منتشر شده‌اند.

۳- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری: واحد تاریخ شفاهی این دفتر، خاطرات بسیار خوبی را جمع‌آوری و چاپ کرده است. از ویژگیهای کار این دفتر، زیرنویس‌ها و معرفی افراد مرتبط ذکر شده در متن خاطرات می‌باشد که استفاده از بانک اطلاعات و آرشو فرهنگ نام‌آوران معاصر ایران بر غنای مطالب آنها افزوده است. از کتب منتشر شده توسط این واحد می‌توان به خاطرات احمد احمد،^{۱۳} مرضیه حدیدچی (دباغ)،^{۱۴} سیدمحمدکاظم بجنوردی^{۱۵} و خاطرات علی‌امینی اشاره کرد.

۴- موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران: این مرکز با دراختیار داشتن اسناد خانواده‌های بزرگ و حکومتگر، از ویژگی خاصی در کارهای خود برخوردار است و در کنار آن با جمع‌آوری خاطرات شخصیتهای شاخص بر غنای کار خود می‌افزاید. موسسه مذکور تعدادی از این خاطرات را در قالب کتاب و مقاله در فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران منتشر کرده است.

۵- سازمان اسناد و کتابخانه ملی: این مرکز علاوه بر تهران، شعبه‌هایی نیز در شمال غرب، غرب و سایر نقاط کشور دارد و از طریق این زیرمجموعه‌ها در زمینه تاریخ شفاهی فعالیت می‌کند. اما تاکنون در این زمینه اثر خاصی منتشر نکرده است.

راهکارهای استفاده از خاطرات و تاریخ شفاهی

در تدوین تاریخ

برای استفاده از خاطرات و تاریخ شفاهی در تدوین تاریخ باید به چند نکته توجه داشت که در واقع همان نقد و بررسی این منابع محسوب می‌شود:

۱- انگیزه مراکز تحقیقاتی از جمع‌آوری خاطرات
۲- بررسی موقعیت و جایگاه صاحب‌خاطر^۳ خودمحموری و وارونه جلوه‌دادن سیر وقایع^۴-مقابله خاطرات با اسناد.

انگیزه مراکز تحقیقاتی از جمع‌آوری خاطرات

همچنان‌که هیچ مورخ و محقق بدون انگیزه و پیشداوری به تألیف و نگارش تاریخ اقدام نمی‌کند، نمی‌توان متصور شد که موسسات و یا مراکز نیز بدون ترسیم پاره‌ای اهداف خاص و یا بدون توجه به حصول برخی منافع، به تحقیق و جمع‌آوری خاطرات و منابع شفاهی بپردازند و هزینه‌هایی را به این منظور متقبل شوند. به‌عنوان مثال مرکز اسناد انقلاب اسلامی هدف خود را از اقدام به این کار، پاسداری از تاریخ انقلاب اسلامی و پیشگیری از بهره‌برداری ناروای دشمنان می‌داند. این مرکز به سفارش و رهنمود



رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی(ره) رسالت تدوین تاریخ انقلاب اسلامی را برعهده دارد: «از شما می‌خواهم هر چه می‌توانید سعی و تلاش نمایید تا هدف قیام مردم را مشخص نمایید؛ چراکه همیشه مورخین اهداف انقلابها را در مسلخ اغراض خود و یا اربابانشان ذبح می‌کنند. امروز همچون همیشه تاریخ انقلابها، عده‌ای به نوشتن تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی ایران مشغولند که سر در آخور غرب و شرق دارند. تاریخ جهان پر است از نخستین دشنام عده‌ای خاص له و یا علیه عده‌ای دیگر و یا واقعه‌ای در خور بحث. اگر شما می‌توانستید تاریخ را مستند به صدا و فیلم حاوی مطالب گوناگون انقلاب از زبان توده‌های مردم رنج‌دیده کنید کاری درخور و شایسته تاریخ ایران نموده‌اید...»^{۱۶}

باتوجه به مطالب نامه مذکور می‌توان دریافت حوزه فعالیت تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، محدوده انقلاب ایران، یعنی از سال ۱۳۴۲ش تا پیروزی انقلاب را دربرمی‌گیرد و به‌همین خاطر نیز خاطرات منتشر شده از سوی این مرکز درخصوص وقایع اواخر قاجاریه و اوایل پهلوی، علاوه بر برخورداری از حجم اندک، چندان قابل استناد نیستند؛ زیرا اسناد پیوستی این خاطرات بیشتر به مسائل انقلاب اسلامی اختصاص دارند و وقایع مربوط به دوره‌های قاجار و اوایل پهلوی چندان متکی به اسناد قوی نیستند؛ ضمن آن‌که مصاحبه‌گر این مرکز سوالات و نحوه پرسشهای خود را در راستای اهداف و محدوده تاریخ موردنظر بی‌گیری می‌نماید و شاید هم سهواً از کنار وقایع دوره‌های قبلی به‌راحتی می‌گذرد. البته اخیراً تالندزای به

این نکته توجه شده است. چنان‌که طراحان سوال از مصاحبه‌شوندگان می‌خواهند به سوال طرح‌شده به‌گونه‌ای همه‌جانبه و فراگیر پاسخ دهند. علاوه‌براین، برخی وقایع احتمالاً در زمان انتشار از سوی مرکز با اهمیت تلقی نشده‌اند و یا برحسب ملاحظات سیاسی، فرهنگی و شخصی ذکری از آنها نرفته است؛ زیرا بعضی از صاحبان این خاطرها هنوز زنده هستند. درحالی‌که ممکن است نکات ذکر شده برای مورخ در فهم هرچه‌بہتر یک واقعه و موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشند. به‌علاوه لازم است به شیوه بیان مطالب، سیر حوادث و تطبیق آنها با زمان واقعه و عمل توجه شود. پس مورخین برای تحقیق درباره انقلاب اسلامی می‌توانند از منابع شفاهی این مرکز استفاده نمایند اما درعین حال نباید از مقایسه میان مطالب خاطرات منتشرشده غافل باشند و اگر صاحب خاطره زنده است، با سعی در دسترسی به او برای رفع نکات مبهم اقدام کنند. مرکز دیگری که از نظر اهداف و شیوه کار با مرکز اسناد انقلاب اسلامی همسو می‌باشد، واحد تاریخ شفاهی دفتر ادبیات انقلاب اسلامی است. به گفته مسئول دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری، «تمرکز واحد تاریخ شفاهی روی سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ش است و فعالیت آن به جمع‌آوری خاطرات در این دوره متمرکز می‌باشد و بیشتر دنبال سران و نخبگان جریانهای سیاسی در کشور است. منظور افرادی هستند که پایه‌گذار و جریان‌ساز مبارزات سیاسی در کشور یا شاهد مستقیم حوادث بوده‌اند؛ زندانیان سیاسی، پایه‌گذاران برخی حزبها و تشکیلات مسلحانه و همچنین افرادی که در انجمنهای اسلامی

داخل و خارج کشور حاضر بودند و روحانیونی که در این مبارزات به رهبری امام(ره) مستقیماً درگیر بوده‌اند.» وی در ادامه می‌گوید: «به‌خودمان اجازه نمی‌دهیم به‌خاطر مقتضیات روز، بخشی از خاطرات را مخدوش کنیم. گاهی به‌خاطر همین ملاحظه است که خاطرات یک فرد همچنان منتشر نشده باقی می‌ماند و تا وقتی که خود آن فرد صلاح نبیند و مقتضیات اجازه ندهد آن را منتشر نمی‌کنیم... البته مقتضیات روز را در نظر نمی‌گیریم. این کار یعنی قضاوت پیش از پژوهش، اما بی‌نصیب از فشارهایی که بیرون از حوزه کاریمان وجود دارد، نیستیم.»^{۱۷}

چنان‌که گفته شد، این دفتر همسوبا مرکز اسناد انقلاب اسلامی است، اما خاطرات این دفتر برخلاف مرکز اسناد با تکیه بر اسناد پایانی تنظیم نشده‌اند. اما بر مطالب کتاب زیرنویس‌هایی افزوده شده است که در نوع خود از کیفیت خوبی برخوردار هستند. باین‌همه در کل باید گفت محققان نمی‌توانند برای پژوهش‌هایشان در حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد و مسائل اجتماعی به این خاطرات امیدوار باشند و بر آنها تکیه کنند. ضمن آن‌که از بعد سیاسی، مقطع زمانی خاطرات ارائه‌شده محدود است و درعین حال خاطرات افراد خاصی را شامل می‌شود؛ یعنی خاطرات همه افراد فعال در عرصه‌های سیاست، اقتصاد و... در تاریخ معاصر ایران را دربرنمی‌گیرد.

بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی از دیگر مراکزی است که با دو مرکز قبلی از نظر موضوع و مقطع زمانی دارای اهداف مشترکی است. هرچند بنیاد مذکور علی‌الظاهر حدود هزار ساعت در قالب تاریخ شفاهی کار کرده است، اما جز فصلنامه

«یاد» چندان خروجی دیگری ندارد و از مزایای اسنادی زیادی هم برخوردار نیست.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران نیز در همین راستا حرکت می‌کند و تاکنون صدوسی مصاحبه با شخصیت‌های سیاسی رژیم پهلوی دوم را در اختیار دارد که به‌عنوان نمونه می‌توان به خاطرات سیاسی دکتر جواد صدر اشاره کرد.^{۱۸} سازمان اسناد و کتابخانه ملی (سازمان اسناد ملی ایران سابق)، به لحاظ کار در زمینه تاریخ شفاهی بسیار تازه‌کار است. تاریخ شفاهی این سازمان به‌ویژه در شعبات خارج از مرکز، تملعی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تاریخ معاصر ایران را شامل می‌شود. این سازمان هرچند در این زمینه خروجی ندارد اما مورخان می‌توانند با بهره‌گیری از آرشیو تاریخ شفاهی و اسنادی این سازمان به اطلاعات در خورتوجهی در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه در مورد نواحی و مناطق کشور دست یابند. از اقدامات جالب این مرکز، علاوه بر جمع‌آوری خاطرات می‌توان به گردآوری اسناد خانوادگی اشاره کرد.^{۱۹}

مراکز خارج از کشور، در تدوین تاریخ شفاهی، اهداف و برنامه‌های خاصی را دنبال می‌کنند. مهمترین مرکز خارج از کشور که در زمینه تاریخ شفاهی ایران بیشترین فعالیت را انجام می‌دهد، دانشگاه هاروارد است. مسلم آن است که هیچ مرکز خارجی و دولتی بدون هدف و چشمداشت در خصوص تاریخ یک کشور دیگر به تحقیق نمی‌پردازد، مگر این که از این کار منفعت و ره‌آوردی کوتاه‌مدت و یا بلندمدت مدنظر داشته باشد. اگر به خاطرات ملموران سیاسی، اقتصادی و با جهانگردان غربی که در ایران حضور داشته‌اند، دقت شود، اغلب آنها خالی از اغراض سیاسی و یا اقتصادی نبوده و کاملاً در راستای تأمین منافع کشور خودشان حرکت کرده‌اند. به‌عنوان مثال، به خاطرات سرکلارمونت اسکرین (از ملموران انگلیس در ایران)،^{۲۰} سی‌سال رقابت غرب و شوروی در ایران (مشاهدات ژرژ لنجافسکی^{۲۱} وابسته مطبوعاتی لهستان در ایران در ایام جنگ جهانی دوم) و شترها باید بروند^{۲۲} (خاطرات سیاسی سرریدر بولارد) می‌توان اشاره کرد که همگی به توجیه سیاست‌های انگلیس و دول غربی در ایران می‌پردازند. بنابراین مسلماً دانشگاه هاروارد نیز گرچه مطالب ارزشمندی را در کارهای خود ارائه می‌دهد، اما بدون در نظر گرفتن منافع سیاسی، اقتصادی و... اقدام به این کار نکرده است؛ گذشته از آن که این مرکز و دیگر مراکز خارج از کشور دقیقاً در مقابل مراکز تاریخ شفاهی داخل کشور و کاملاً جهت‌دار عمل می‌کنند، چنان‌که در مواردی که افراد سازمانها و یا تشکیلات سیاسی و اقتصادی و... دارای نقش موثری در یک نظام بوده‌اند، به این وابستگی‌های سازمانی‌شان پرداخته نشده و یا در خاطرات چاپ‌شده در این موارد سکوت شده است. به‌عنوان مثال، در خاطرات شریف‌املی^{۲۳} علیرغم آن که وی رئیس لژ فراماسونری بود و حتی قصد داشت لژ بزرگ ایران را تشکیل دهد، هیچ صحبتی از فراماسون بودن او و تشکیلاتش در میان نیست؛ یا مثلاً در خاطرات علی امینی^{۲۴} که مورد اطمینان و اعتماد امریکاییها بود و حتی تحت فشار امریکاییها به نخست‌وزیری رسید، هیچ اشاره‌ای به این موقعیت او در نزد امریکاییها نشده است. به‌عبارت‌دیگر، در متنهای

منتشرشده، بعضاً آشکارا بخشهایی از مطالب نادیده گرفته شده‌اند. به‌علاوه، در این خاطرات در مورد وضعیت فرهنگی و اجتماعی عصر پهلوی، برخورد با روحانیت، عوامل سقوط شاه و پیروزی انقلاب و... بحثی دیده نمی‌شود حال آن‌که بدون شک در این زمینه‌ها برای مصاحبه‌کننده سؤالاتی مطرح بوده است و یا احتمالاً سؤالاتی از سوی او طرح شده‌اند. اما در متن چاپ‌شده هیچ خبری از چنین موضوعاتی وجود ندارد. بنابراین لازم است مورخان در استفاده از این منابع بسیار دقیق و کنجکاوانه عمل نموده و در کنار آنها حتماً از اسناد و خاطرات دیگر نیز استفاده کنند تا به نتیجه‌ای منطقی و واقعی دست یابند.

مرکز بعدی که با همان گرایش و رویه ولی با عنایت حزبی و ایدئولوژیک به جمع‌آوری خاطرات می‌پردازد، تاریخ شفاهی چپ زیر نظر موسسه بین‌المللی تاریخ اجتماعی آمستردام در هلند است که خاطرات اعضای حزب کمونیست و توده را جمع‌آوری می‌کند. با توجه به گزینش افرادی که موسسه به خاطرات آنها می‌پردازد، به‌راحتی می‌توان به هدف این موسسه پی برد. نمونه‌ای از این خاطرات که توسط موسسه مذکور به چاپ رسیده است،^{۲۵} آشکارا نشان از جهت‌داری بودن فعالیت آنان و کتمان حقیقت از سوی فعالان مرکز دارد. البته بدون شک این منابع می‌توانند به روشن شدن بسیاری از مسایل تاریخ روابط حزبی و روابط خارجی کشور - به‌ویژه در ارتباط با اتحاد جماهیر شوروی - کمک کنند؛ گذشته از آن که در زمینه تحولات داخلی و سازمانهای مخفی در زمانهای مورد بحث نیز اطلاعات خوبی را می‌توان از آنها به‌دست آورد.

مراکز بعدی فعال در خارج از کشور نیز هرکدام به‌نوعی اهداف خاصی را پیگیری می‌کنند. مثلاً مرکز تاریخ نیروی زمینی امریکا که هدف خود را انتقال تجربیات فرماندهان و مستشاران امریکایی در ایران به نیروهای خود و شناسایی موقعیتهای مختلف جامعه و کشور برای برنامه‌ریزیهای نظامی و سیاسی اعلام کرده است و حتی بنیاد مطالعات ایران که با بودجه اشرف پهلوی کار می‌کند، هرکدام هدف خاصی غیر از آنچه را که در ظاهر بیان می‌کنند، مدنظر دارند؛ همان‌که بلیان این موسسه به‌خوبی معرف کاری هستند که تحت مدیریت آنها ارائه می‌شود.

تاریخ‌نگاری شفاهی یهود نیز که تحت سرپرستی هما سرشار فعالیت می‌کند، آشکارا دارای اهداف قومی-مذهبی است و سعی می‌کند تاریخ ایران را در این راستا بنویسد. وجود این اغراض، نیت‌ها و رویکردهای خاص در کار تاریخ شفاهی، در واقع وظیفه مورخ و پژوهشگر را هرچه‌بیشتر سنگین نموده، لزوم دقت و وسواس هرچه‌بیشتر مورخ برای تشخیص سره از ناسره و کشف و تحلیل حقیقت در این خاطرات را مضاعف می‌کند.

بررسی موقعیت و جایگاه صاحب‌خاطره

در استفاده از منابع شفاهی و خاطرات، توجه به نقش و جایگاه صاحب‌خاطره از اهمیت فراوانی برخوردار است و باید به مقام و منصب او در نقش تصمیم‌گیرنده و یا هدایت‌کننده یک سازمان و یا تشکیلات توجه شود. در واقع مورخ باید در خاطرات این افراد، به دنبال حوادث و وقایعی باشد که

مراکز خارج از کشور در تدوین تاریخ شفاهی اهداف و برنامه‌های خاصی را دنبال می‌کنند. مهمترین مرکز خارج از کشور که در زمینه تاریخ شفاهی ایران بیشترین فعالیت را انجام می‌دهد، دانشگاه هاروارد است. مسلم آن است که هیچ مرکز خارجی و دولتی بدون هدف و چشمداشت در خصوص تاریخ یک کشور دیگر به تحقیق نمی‌پردازد، مگر این که از این کار منفعت و ره‌آوردی کوتاه‌مدت و یا بلندمدت مدنظر داشته باشد. مراکز خارج از کشور دقیقاً در مقابل مراکز تاریخ شفاهی داخل کشور و کاملاً جهت‌دار عمل می‌کنند. چنان‌که در مواردی که افراد سازمانها و یا تشکیلات سیاسی و اقتصادی و... دارای نقش موثری در یک نظام بوده‌اند، به این وابستگی‌های سازمانی‌شان پرداخته نشده و یا در خاطرات چاپ‌شده در این موارد سکوت شده است



خاطرات بنا به دلایل عدیده - از جمله به دلیل مصلحت گرایی، اعمال حب و بغضهای شخصی و داوریهها و گزارشهای یکطرفه‌ای که عمدتاً بر رعایت منافع فردی و اجتماعی نویسنده مبتنی هستند - به لحاظ ارزش تاریخی در رتبه نخست منابع قرار ندارند و حتی برخی از آنان حاوی اکاذیب گمراه‌کننده‌ای نیز هستند، اما در عین حال همین خاطرات علاوه بر ابهام‌زدایی از برخی اطلاعات و اسناد تاریخی، گاه چنان گزارشها و اخبار بدیع و تازه‌ای را در اختیار می‌گذارند که علیرغم کاستیها و معایب مذکور، ارزش آنها به سطح ارزش اسناد و مدارک دست اول ارتقا می‌یابد

باید گفت ارزش «خاطرات» بستگی تام به اهمیت و وزن اجتماعی - سیاسی صاحب خاطره و دامنه درگیری او در حوادث دارد. البته علاوه بر همه این عوامل، صداقت و حقیقت‌گویی فرد خاطره‌گو عامل بسیار مهمی در ارزش‌گذاری این خاطرات به شمار می‌آید و مورخ قطعاً باید به این مولفه توجه ویژه‌ای داشته باشد

صاحب خاطره در آنها نقش اول و مستقیم را داشته است و از جزئیات و نکات مبهم آن سازمان، حزب و تشکیلات خبر دارد. در کل، مطالب حاشیه‌ای و شنیداری در درجه دوم و سوم قرار دارد. مثلاً در خاطرات دکتر مظفر بقایی کرمانی^{۲۶} - از مجموعه «طرح تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد» - باید در پی حقایق و ناگفته‌های وقایع سالهای پرحادثه اواخر دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۱۳۳۰ ش بود؛ زیرا بقایی از دوران حکومت قوام‌السلطنه در جریان غائله آذربایجان تادوران نهضت ملی، حکومت دکتر مصدق و کودتای بیست‌وهشتم مرداد ۱۳۳۲ و همچنین در اوایل حکومت سپهبد زاهدی پس از کودتا نقش مهمی در مسائل ایفاء می‌کرد، و همچنین در خصوص مسائل حزب زحمتکش‌شان ملت ایران خاطرات او حائز اهمیت است و نیز در مورد تاریخ محلی، دوران تصدی وی به‌عنوان مسئول آموزش و پرورش (فرهنگ) کرمان در این خاطرات قابل توجه است. البته باید به این نکته توجه داشت که مصاحبه‌کننده باید بر تاریخ معاصر ایران و زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... شخصیت مصاحبه‌شونده آگاهی کامل داشته باشد تا بتواند سوالات لازم را مطرح و خاطرات مهم را از صاحب خاطره اخذ نماید.

نمونه دیگری از این آثار، خاطرات شعبان جعفری^{۲۷} است که در لابه‌لای این خاطرات باید به نقش جعفری در حوادث کودتای بیست‌وهشتم مرداد ۱۳۳۲ توجه داشت و همچنین پیوند وی با دربار و دیگر محافل بازاری و زورخانه‌های کشور، و نیز حرفه‌های او درباره ورزش باستانی، آیین زورخانه‌ای و پهلوانی و ارتباط این ورزش با سیاست می‌تواند حائز اهمیت باشد. در واقع باید گفت ارزش «خاطرات» بستگی تام به اهمیت و وزن اجتماعی - سیاسی صاحب خاطره و دامنه درگیری او در حوادث دارد. البته علاوه بر همه این عوامل، صداقت و حقیقت‌گویی فرد خاطره‌گو عامل بسیار مهمی در ارزش‌گذاری این خاطرات به شمار می‌آید و مورخ قطعاً باید به این مولفه توجه ویژه‌ای داشته باشد.

خودمحوری و وارونه‌جلوه‌دادن حوادث و وقایع
باتوجه به این که امروزه خاطرات مختلفی از افراد و شخصیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منتشر می‌شود و هرکدام از آنها به جریان فکری - سیاسی خاصی وابسته هستند، لذا محقق باید در بهره‌گرفتن از این منبع تاریخی، جهت احتیاط، پیرامون حوادث و وقایع، تحقیق و پژوهش بیشتری به‌عمل آورد؛ زیرا هرکدام از کتابهای خاطراتی که انتشار می‌یابند، پیش‌از هر چیز، گویی یک لایحه دفاعیه هستند که نویسنده آنها سعی دارد در آن دسته از وقایع تاریخی که عموماً به نفع مملکت تلقی می‌شوند، خود را عامل اصلی معرفی نماید و در موارد بدنام و مضر به حال کشور، تقصیرها را به گردن دیگران بیندازد یا به‌عبارتی خود را تبرئه کند. نکته دیگر در برخی خاطرات، احتمال تسویه‌حساب صاحب خاطره با رقبا و مخالفان سیاسی است. به‌عنوان مثال علی‌امینی در خاطراتش چنان سخن می‌گوید که گویی خود او هرگز اشتباهی مرتکب نشده و خطایی نکرده است.^{۲۸}

بدیهی است این نوع خاطرات گاه با ادعاها و خودستایی‌ها و اظهار نظرهای یکطرفه صاحب خاطره همراه هستند و یا نویسندگان آنها بیشتر به موضوعات و مسائلی

می‌پردازند که به جهتی مورد توجه یا علاقه و احياناً مخالف سلیقه و نظرشان بوده است.^{۲۹} البته نحوه سوال و برخورد مصاحبه‌کننده می‌تواند از شکل گیری چنین حالتی در سیر خاطره‌گویی جلوگیری کند، اما قابل انکار نیست که در لابه‌لای همین اظهار نظرها نیز جبهه‌اطلاعات و نکته‌هایی مندرج باشد که از نظر مطالعات اجتماعی و نیز تاریخی حائز اهمیت باشند.

ضروری است مورخ در هر قدم از تحقیق خود و در برابر هر مسأله‌ای، ابتدا از خود بپرسد آیا آنچه پیش روی او قرار دارد، با واقعیت منطبق است؟ آیا ممکن نیست در این گفته‌ها دروغی عمدی و یا حتی سهوی در کار باشد؟ کماآنکه امکان وجود هر دو نقص مذکور (عدم انطباق با واقعیت و خطای عمدی یا سهوی) در این خاطرات وجود دارد، و لذا مورخ جز با تحقیق نخواهد توانست به حقیقت تاریخی دست یابد.^{۳۰} پژوهشگر تاریخ باید گذشته را بازسازی و بررسی کند. این بررسی، تحقیق دقیق و نقادانه‌دو مسأله را از سوی او الزامی خواهد نمود: ۱- واقعیت تاریخی چیست؟ ۲- ماهیت شواهد و مدارک تاریخی کدام است؟ در خصوص وقایع گذشته شواهد خوبی وجود دارد، اما نباید قبول کنیم که همه این شواهد، بحث‌ناپذیر و قطعی هستند، بلکه محقق باید از ابزار سنجش میزان وثوق و صحت مطالب مطروحه از قدرت شناخت مرز آمیزش واقعیت با سوغت‌ر و بی‌پردن به تحریفات و حب و بغضهای احتمالی، و نیز از دانش لازم برای تشخیص نقاط دخالت دیدگاههای ارزشی گوینده خاطره و همچنین از ابزار ارزیابی دامنه و محدوده دید صاحب خاطره در نگرش به حوادث اجتماعی برخوردار باشد. برای رسیدن به چنین شناخت و سنجشی، محقق به بینش جامع و عمیق منطقی - تاریخی نیازمند است.^{۳۱} این دآوری نباید به معنای کم‌بهدادن به‌خاطرات و ارزش تحقیقی - تاریخی این منبع انگاشته شود، بلکه مهمترین ایراد به ارزش تحقیقی خاطرات، همان بعد فردی و ارزشی آنها است.

علاوه‌براین، نوع و شیوه بیان خاطرات می‌تواند اعتبار آمیز و حتی تدافعی باشد؛ یعنی صاحبان خاطرها اغلب سعی در توجیه و دفاع از عملکردها، وقایع زندگی و یا عقاید خاص خود دارند و این شیوه نگرش، بنا به سرشت آدمی کم‌وبیش به‌صورت یک گرایش در بیشتر خاطرات مشهود است و میزان آن با روانشناسی و شخصیت فردی گوینده خاطره و نیز فضای اجتماعی که او را به دفاع می‌کشاند، ارتباط دارد؛ ضمن آنکه ازسوی دیگر حتی ممکن است بیان خاطرات جنبه اعترافات محض به خود بگیرد. این اعترافات گاه از تحول روحی و فکری صورت‌گرفته در صاحب اثر ناشی می‌شوند و هدف از آنها سبک کردن سنگینی بار عذاب وجدان است و گاه انگیزه‌های دیگری - حتی خودنمایی و فریب - محرک او در این کار هستند. با وجود همه این مسائل، خاطرنویسی می‌تواند کاوشگرانه باشد؛ یعنی با هدف کاوش در زندگی خود و یا حوادث اجتماعی - به‌طور تاملان - برای رسیدن به شناخت ریشه‌های عملکردها، الگوهای رفتاری و یا مسائل اجتماعی و سیاسی صورت پذیرد.

مقابله خاطرات با اسناد

خاطرات، علیرغم اهمیتشان، نمی‌توانند و نباید



به تنهایی پایه شناخت تاریخی قرار گیرند بلکه در این زمینه اسناد مکتوب نیز از جایگاه خاص خود برخوردارند. خاطرات عموماً از تجربه شخصی و دیدگاه فردی صاحب اثر پرده برمی دارند و طبعاً باید در مقایسه و مقابله با آثار مشابه به ویژه خاطرات افرادی که در جریان همان وقایع در تعارض با صاحب اثر قرار داشته‌اند، و نیز پس از مقایسه با اسناد مکتوب مورد استفاده قرار گیرند. گرچه دوران گذشته به سر آمده است و دسترسی مستقیم به آن میسر نیست، اما به هر حال آثاری از گذشته در قالب اسناد، ابنیه، مسکوکات، نهادهای اجتماعی و... بر جای مانده‌اند که هر مورخ صاحب عزت نفس می‌تواند براساس همین آثار و علائم به بازسازی و بازگویی تاریخ بپردازد. چنان‌که به عنوان مثال برای پی بردن به اعتبار خاطرات دکتر بقائی و مطالب و مسائل مطرح شده در این خاطره می‌توان آن را با کتاب زندگینامه سیاسی دکتر بقائی^{۳۳} که بر پایه اسناد خانوادگی وی تدوین شده است، مقابله کرد و به واقعیت‌های بسیاری دست یافت؛ هر چند شاید این اسناد نیز به‌طور گزینشی چاپ شده باشند. همچنین برای سنجش اعتبار مطالب مطرح در خاطرات، به عنوان مثالی دیگر می‌توان به خاطرات مطرح شده در مجلات و نشریات درخصوص جنگ سالارالدوله ابوالفتح میرزا قاجار و خوانین غرب کشور و چهاردولی با قشون دولتی و مجاهدان مشروطیت در سال ۱۳۳۰ ق. اشاره کرد که گویندگان خاطره‌ها سعی دارند رفتار خوانین منطقه غرب کشور در مخالفت با مشروطیت را دفاع از منطقه و کشور براساس حکم قراقرسانی و کمک به شاه و سلطنت قانونی عنوان کنند و مدافعان مشروطیت را نیز برخوردار از اندیشه‌های آزادیخواهی و ترقی جلوه

دهند. حال آن‌که با بررسی اسناد این جنگ^{۳۴} که در قریه شورجه همدان اتفاق افتاد و فرماندهی قشون دولتی را عبدالحسین میرزا فرمانفرما و یبرم خان ارمنی برعهده داشتند، علت واقعی هواداری خوانین منطقه - عباس خان سرتیپ چناری و عبدالباقی خان چهاردولی - از سالارالدوله و همچنین علت واقعی حمایت محمدصادق خان چهاردولی و آیت‌الله شیخ محمدباقر بهاری^{۳۵} از مشروطیت آشکار می‌شود؛ چنان‌که گروه اول در پی منافع شخصی خود و از روی خوی استبدادی و اختلافاتی که با دیگر خوانین در مورد املاک داشتند و یا به علت طمع‌ورزی بعضی از مقامات کشوری - همچون کامران میرزا نایب‌السلطنه - به تصاحب دارایی و املاک این خوانین، به سالارالدوله گرایش پیدا کردند، ضمن آن‌که بی‌اطلاعی آنان از اوضاع زمانه و تحولات تهران و کشور نیز این گرایش‌ها آنها را تشدید می‌کرد. اما گروه دوم خود به دو دسته‌اند: گروه اول مانند محمدصادق خان چهاردولی در راستای مخالفت با دیگر خوانین منطقه و با آگاهی جزئی از سیر حوادث کشور، سعی می‌کرد از تحولات شکل گرفته به سود خود استفاده کند، که البته در این راه موفق بود و صاحب اموال و القابی نیز گردید، و دسته دوم اشخاصی چون آیت‌الله شیخ محمدباقر بهاری بودند که با مراجع نجف اشرف همواره در ارتباط بودند و از سیر حوادث، رویدادها و تحولات کشور به‌طور کامل آگاهی داشتند و لذا با دانش و بینش کافی، با استبداد داخلی و استعمار خارجی به مبارزه می‌پرداختند و در تمام مراحل انقلاب مشروطیت بدون هیچ چشمداشتی از آن دفاع می‌کردند.^{۳۶} معمولاً در منابع شفاهی و خاطرات دوران انقلاب مشروطیت موضع میرزا

ابوالقاسم محمودزاده (رئیس مجاهدین همدان که اردوی ملی را در زمان استبداد صغیر اداره می‌کرد) با موضع‌گیری آیت‌الله بهاری - که با همراهی مریدان خود و طلاب، دست‌های از مجاهدین را شکل داده بود - یکی دانسته شده است. در حالی‌که براساس اسناد و مکاتبات آیت‌الله بهاری با آیت‌الله آخوند خراسانی در نجف اشرف، اختلاف این دو نفر در دیدگاه و برخورد با مسائل روز کاملاً مشخص است. تاجایی‌که محمودزاده مردم را به اذیت و آزار آیت‌الله بهاری تحریک می‌کرد و تنها چیزی که باعث جلوگیری از اغتشاش شد، نامه آیت‌الله آخوند خراسانی در دفاع از بهاری بود.^{۳۷}

البته در دوره قاجاریه و پهلوی تاریخ شفاهی به شکل امروزی متداول نبوده است، اما مشاهدات افراد در قالب خاطره‌نگاری، خاطرات و یادداشتهای روزانه ثبت و ضبط شده است.

لازم به ذکر است که خاطره‌نگاری با تاریخ شفاهی تفاوت‌هایی دارد. خاطره‌نگاری خاص خود فرد است اما تاریخ شفاهی خاص خود فرد نیست، بلکه آن فرد در درجه اول انتخاب و سپس هدایت می‌شود. در خاطره‌نگاری خود شخص در زمان نزدیک به واقعه تمام دیده‌ها و افکار و ذهنیاتش را تبدیل به کلمه می‌کند، اما در تاریخ شفاهی، فرد، افکاری را که با خود او مانده و دچار مسائل محتمل زمان شده‌اند، در فاصله‌های دور از واقعه به کلمه تبدیل می‌کند؛^{۳۸} ضمن آن‌که اغلب مصاحبه‌ها برای تطهیر خود و با سیستمی که فرد مصاحبه‌شونده در آن حضور دارد و یا داشته است، هدایت می‌شوند؛ به عبارت دیگر، حداقل برای قوام خود مصاحبه‌شونده، تولیدات تاریخ شفاهی در راستای تولیدات رسمی و در زمانی صورت می‌گیرد که جامعه فرصت‌گریز از

دست سیاستمداران را پیدا کرده باشد. علاوه بر این، چنان که پیشتر نیز گفته شد، برخی مصاحبه‌ها لایحه دفاعیه و برائت جویی از تقصیرها و کاستیها هستند و برخی نیز می‌کوشند تا نقش خود را در رخدادها و حوادث تاریخی پر رنگ جلوه دهند؛ و لذا متن تاریخ شفاهی قابل نقد است و برای این منظور باید خاطرات را با خاطرات دیگر - البته در همان رشته و در همان موضوع - و همچنین با اسناد و مدارک دیگر تطبیق داد؛ زیرا واقعه و رخداد، واحد، اما برداشت و تصویر افراد متفاوت است. در خاطرات شفاهی گزارشهایی که از حادثه ارائه می‌شود، ذکر مسائلی از قبیل تاریخ وقوع رویداد، جزئیات حوادث، چگونگی رویداد و نحوه سرکوب و عکس‌العمل حکومت و مقامات مسئول کمتر دیده می‌شود. حال آنکه اسناد به روشن شدن جزئیات این مسائل و حوادث کمک شایانی می‌کنند. به‌عنوان مثال، مولف می‌تواند در مورد قیام پانزدهم خرداد از تلفیق اسناد و خاطرات، گزارش قابل قبولی ارائه دهد. بر این اساس، صادق‌ترین و گویاترین روایان وقایع و حوادث تاریخی یک کشور و منطقه اسناد و مدارکی هستند که از زمان وقوع حوادث برجا مانده‌اند. به‌همین دلیل هیچ محقق و پژوهشگری بدون استفاده و بهره‌برداری از اسناد معتبر قادر نخواهد بود تحلیلی منطبق بر واقعیات از سیر حوادث و وقایع تاریخی ارائه دهد و چه‌بسا رویدادها و حوادث مهم تاریخی - سیاسی به دلیل عدم دسترسی به اسناد مربوطه، همچون مومی در دست پژوهشگران و محققان هر دم و لحظه به شکلی درآیند. علاوه بر این، نظرات و مشاهدات کسانی که در تاریخ معاصر ایران و قبل و بعد از انقلاب اسلامی در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... نقش داشته‌اند و به اصطلاح کارگردانی کرده‌اند، بسیار مهم هستند و این خاطرات را نمی‌توان به‌طور دقیق و خدشه‌ناپذیر منعکس کرد، مگر این‌که به اسناد و مدارک آن مراجعه کرد و از آنها بهره‌برداری صحیح و شایسته نمود. در واقع همان قدر که بازسازی یک جریان، پدیده و موضوع مربوط به گذشته، به دلیل کارکرد افراد و رجال و شخصیتها در آن رویداد، وابسته به شخصیتها است، به همان نسبت بخشی از بازسازی و احیای چهره‌ها و شخصیتها نیز مدیون اسناد است. کاملاً روشن است که در خاطرات شفاهی بدون اتکا به منبع آرشیوی و منبع کتابخانه‌ای نمی‌توان به تمام و کمال در خصوص موضوعات طرح‌شده در تاریخ شفاهی تبیین و روشن‌گری کرد؛ از این رو ارتباط افراد با جریانهای سیاسی و شخصیتها از دیگر موضوعاتی است که اسناد در این خصوص می‌توانند کمک شایانی به مورخ بکنند. همچنین پرونده‌های موضوعی و انفرادی که در زمان خود برای کنترل و پیگرد در مراکز امنیتی و انتظامی تشکیل شده‌اند اما اینک به‌عنوان منبع خام پژوهش نگریسته می‌شوند و نیز پرونده‌های قضایی، می‌توانند در تدوین تاریخ شفاهی مورد استفاده قرار گیرند؛ چنان‌که می‌توان حقایق مربوط به دستگیری و بازجویی از افراد و سیر قضایی محاکمه و احکام صادرشده در پرونده‌های آنان را در این پرونده‌ها جستجو کرد. بنابراین می‌توان گفت: اسناد به منظور تاریخ‌نگاری تولید نشده‌اند بلکه روال اداری و یا احکام صادره و فرمانها را در برمی‌گیرند و بعداً به منبعی بی‌همتا در تاریخ‌نگاری تبدیل می‌شوند، اما در تاریخ شفاهی سند

(مصاحبه) به منظور تاریخ‌نگاری تولید می‌شود.

لازم به ذکر است، علاوه بر اسناد مکتوب، اسناد تصویری نیز حاوی اطلاعات عمده و ارزشمندی هستند که می‌توانند مورخ را در کشف حقیقت یاری کنند.

در یک تحلیل نهایی، علیرغم انتقاداتی که به تاریخ شفاهی وارد آمده است، این تاریخ در ابعاد ذیل می‌تواند به پژوهش تاریخی کمک کند:

۱. گوشه‌هایی از تاریخ را که اسناد مکتوب نمی‌توانند به آنها راه یابند (مانند وقایعی که در هیچ سند و کتلی ثبت نمی‌شوند) روشن می‌سازد.
۲. تصویری کم و بیش زنده از وقایع تاریخی مبتنی بر تجربه مستقیم و غیرمستقیم فردی ارائه می‌دهد.
۳. دیدگاههای ارزشی و قضاوت‌های فردی را در خصوص حوادث، تحولات و شخصیت‌های تاریخی ثبت می‌کند.
۴. ضبط و ترسیم ویژگیهای روانی - شخصیتی صاحب خاطرات و سایر افرادی که در حساب حال بدانها پرداخته شده است.

۵. مصاحبه و جمع‌آوری خاطرات و انتشار آن موجب می‌شود آن ضلع از منشور حوادث که مربوط به فرد خاطره‌گو است، روشن شود و به دنبال آن طبیعتاً افراد دیگر تحریک می‌شوند اضلاع دیگر این منشور را تکمیل کنند. ۶. گروه‌های مختلف سیاسی موجود به‌گونه‌ای رقابتی مایل هستند گذشته خود را به‌نحوی بیان نموده و آن را در قالب کتاب منتشر کنند. لذا محقق تاریخ شفاهی باید با رعایت استانداردهای مذکور، در پژوهش خود از این منبع جدید استفاده نماید. تاریخ و حوادث را هرچه‌پیشتر گویا کند و حتی موضوعات جدیدی را از متن خاطرات برای تحقیق و پژوهش بیرون آورد و سپس با کمک اسناد، تحقیقات جدیدی را در آن زمینه ارائه نماید. ■

پی‌نوشت‌ها

۱. شناسنامه مطبوعات ۱۳۵۷، ۱۳۵۷، گردآورنده مسعود برزین، تهران، بهجت، ۱۳۷۱، صص ۲۰، ۲۵.
۲. اردشیر آوانسیان، خاطرات، تهران، موسسه فرهنگی - انتشارات نگر، ۱۳۷۶، ص ۱۰.
۳. ابوالفتح مومن، «جایگاه اسناد در تدوین تاریخ منطقه‌ای»، مجموعه مقالات همایش اسناد و تاریخ معاصر (کتاب اول)، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، آذر ۱۳۸۱، ص ۱۵۰.
۴. جهانگیر قائم‌مقامی، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰، ص ۴۱.
۵. گزارشها و نامه‌های دیوبانی و نظامی امیرنظام گروسی، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشاریزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۷.
۶. اسناد انقلاب اسلامی، جلد ۱ تا ۵، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، یاران امام به روایت اسناد ساواک (شهید آیت‌الله سیداسدالله مدنی)، کتاب چهارم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷، ش: انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، از جلد ۱ تا ۱۲ (تاکنون)، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
۷. حجت‌الله فلاح، «مروری بر خاطرات شکرالله صفایور»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، کتاب هشتم، تهران، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴، ش: ص ۱۴۷.
۸. غلامحسین زرگری‌نژاد، «مروری بر خاطرات شهید امیراحمدی»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، کتاب چهارم، تهران، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱، ش: ص ۱۴۷.
۹. سنجدی، علی‌اکبر خان سردار مقتدر، ایل سنجدی و مجاهدات ملی

۱۰. قاسم تبریزی، تاریخ‌نگاری تبریز، «نگاهی به مراکز تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی در آن سوی مرزها»، ماهنامه سوره دوره جدید، شماره دهم، مرداد و شهریور ۱۳۸۳، ص ۶۶.
۱۱. همان، ص ۶۹.
۱۲. خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، ش.
۱۳. احمد احمد، خاطرات، به کوشش محسن کاظمی، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۱، ش.
۱۴. مرضیه حدیدچی (دیباغ)، خاطرات، به کوشش محسن کاظمی، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۱، ش.
۱۵. کاظم بجنوردی، خاطرات دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۸، ش.
۱۶. نامه امام خمینی (ره) به حجت‌الاسلام حمید روحانی، ر.ک. اسناد انقلاب اسلامی، جلد اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ش.
۱۷. گفت‌وگو با هدایت‌الله یهودی، مدیر دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری، «بی‌سروصدا، با چارهای خاموش»، روزنامه جام‌جم، ۱۶ بهمن ۱۳۸۲، ص ۵.
۱۸. محسن کاظمی، «تاریخ شفاهی»، ماهنامه زمانه، س ۳، ش ۲۸، دیماه ۱۳۸۳، ص ۹۳.
۱۹. ر.ک. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، «امدیریت غرب کشور»، بخش تاریخ شفاهی که با یکصد نفر مصاحبه و بیش از ۲۰۰ ساعت خاطرات راجع به مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تاریخ ایران جمع‌آوری کرده است.
۲۰. کلارمونت اسکریبن، خاطرات اسکریبن یا جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران، رستم‌خانی، بی تا.
۲۱. رزق نجف‌کسی، سی سال رقابت غرب کشور و شوروی در ایران، ترجمه حورا یابوری، تهران، سحر، ۱۳۵۱، ش.
۲۲. ریدر بولارد، شترها باید بروند، ترجمه حسن ابوترابیان، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲، ش.
۲۳. جعفر شریف‌امامی، خاطرات شریف‌امامی، به کوشش حبیب لاجوردی، تهران، نگاه امروز، ۱۳۸۰، ش.
۲۴. علی امینی، خاطرات علی امینی، به کوشش حبیب لاجوردی، تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۶، ش.
۲۵. اردشیر آوانسیان، خاطرات آوانسیان، تهران، موسسه فرهنگی - انتشاراتی فکرم، ۱۳۷۶، ش.
۲۶. مظفر بقائی کرمانی، خاطرات دکتر مظفر بقائی کرمانی، مصاحبه‌کننده حبیب لاجوردی، با مقدمه و ویرایش محمود طلوغی، تهران، علم، ۱۳۸۲، ش.
۲۷. شعبان جعفری، خاطرات به کوشش هما سرشار، تهران، آفام، بی تا.
۲۸. ر.ک. علی امینی، خاطرات علی امینی، به کوشش یعقوب توکلی، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۷، ش.
۲۹. غلامحسین بوسنی، دیداری با اهل قلم، جلد دوم، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۵۸، ش: ص ۲۶۱.
۳۰. عبدالحسین زرین کوب، تاریخ در ترازو، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۰، ش: ص ۱۱۱.
۳۱. اچ. دبلیو. والش، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ترجمه ضیاءالدین علایی طباطبایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ش: ص ۸۳.
۳۲. ایرج اسکندری، خاطرات ایرج اسکندری دبیر اول حزب توده ایران، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۱، ش: ص ۱۴.
۳۳. حسین آبدیان، زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقائی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۷۷، ش.
۳۴. در تکاپوی تاریخ و تخت (اسناد ابوالفتح میرزا سالارالدوله قاجار)، به کوشش رضا آذری، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸، ش.
۳۵. ابوالفتح مومن، سرتیپ عباس‌خان چناری، گنجینه اسناد، شماره ۲۸۰، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ش: ص ۴۶، ۴۴.
۳۶. اسناد خانوادگی حاج محمود حجت‌الاسلامی، نوه پسر آیت‌الله شیخ محمدباقر بهاری، همان.
۳۷. همان.
۳۸. محسن کاظمی، همان، ص ۹۴.